

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۶۴ → تربیت دینی فرزندان

نویسنده: جواد محدثی

چاپ اول: ۱۳۸۹

آستان قدس رضوی

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اطلاع‌رسانی

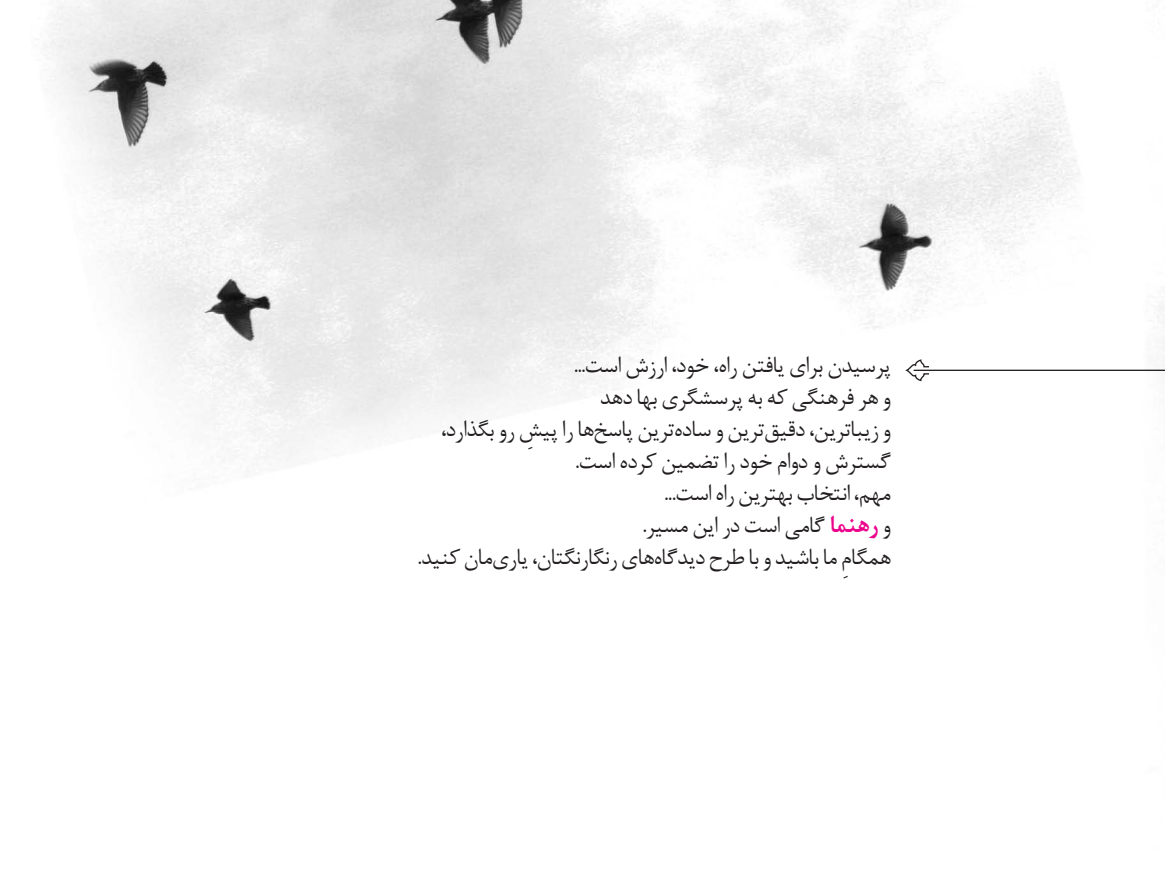
تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۲۰ / دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ / pasokhgoo@razavi.tv

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی

طراح جلد: علی بیات



﴿ پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





تربیت دینی فرزندان

پاسخ پرسش‌های زیر را می‌توانید در این نوشته بیابید:

- ؟ معجزهٔ محبت را چرا و چگونه در رفتار خود با فرزند، به کار بگیریم؟
- ؟ رهنمودهای اسلام در باب خطاب شایسته و نام نیک و پاسخ به سلام و... چیست؟
- ؟ جوان ما، در بُعد عملی، چگونه از الگوهای بیرونی تأثیر می‌پذیرد؟
- ؟ چه کنیم که الگوهای رفتاری فرزند، پدر و مادر خود او باشند؟
- ؟ چند نمونهٔ عملی و کاربردی برای الگودهی اولیا به جوان ذکر کنید.
- ؟ شیفتگی جوانان به اهل بیت علیهم‌السلام چگونه حاصل می‌شود؟





سر آغاز

تربیت دینی فرزندان، دغدغه اصلی و مهم خانواده‌های مسلمان و پدران و مادران مکتبی است. این، تنها معلمان و مربیان نیستند که وظیفه دارند نوجوانان و کودکان شما را با شخصیت و دین‌دار و پاک بار آورند و استعدادهای فکری و هنری و اجتماعی آنان را بارور سازند؛ بلکه خود والدین هم در ایجاد روحیه خودباوری و خداباوری و اعتماد به نفس و تقوا و عفاف و صدق و نوع دوستی و ایثار، مسئول‌اند.

باید «بذر باور» را در «زمین بارور» افشانند؛

باید «نهال ایمان» را در «بوستان جان» کاشت؛

و... این کار خود شما نیز هست.

تا شاهد شکفتن شکوفه صداقت و خلوص و خدمت، بر شاخسار وجود فرزندانان باشید. فرصت‌ها گذران است: هم برای بچه‌ها و هم برای اولیا و مربیان. تا چشم بر هم زنیم، کودک



دیروز، نوجوان امروز می‌شود و نوجوان دیروز، به جوان برومند امروز تبدیل می‌شود... در این فاصله، ما برای آنان چه کرده‌ایم و کدام علم و ادب و تربیت و اخلاق را به «میراث» گذاشته‌ایم؟ کیفیت رفتار و برخورد شما با فرزندان، هر چه صاف‌تر و صمیمی‌تر و دلسوزانه‌تر باشد، موجب جلب اعتماد آنان می‌شود و توفیق تأثیرگذاری در فکر و روانشان افزوده می‌شود. عمرها، فرصتِ «کاشتن» و «برداشتن» است.

آینده‌سازان نیز از رهگذر همین برنامه‌ها و مراقبت‌ها و تربیت‌ها به رشد و کمال می‌رسند. اگر به «آبروی خویش» و «آینده فرزندان» علاقه‌مندیم، مسئله تربیت دینی آنان را نباید شوخی و ساده بگیریم.

وگرنه... مسئولیم!

آنچه می‌خوانید، نکاتی در تربیت دینی فرزندان، براساس رهنمودهای پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. باشد که گامی در مسیر پدیدآوردن نسلی مؤمن، به‌کار و به‌شمار آید.



بهره‌گیری از نیروی محبت

نقش «محبت» را نمی‌توان نادیده گرفت.

عشق و علاقه، هم قوام‌بخش زندگی است، هم جهت‌دهنده تلاش‌ها و هم ایجادکننده انگیزه و رغبت. هم در بزرگسالان چنین است، هم در جوانان و کودکان.

از این‌رو، در تربیت دینی کودکان می‌توان با معرفی الگوهای شایسته، هم حس قهرمان‌دوستی و الگوگرایی آنان را تأمین کرد و هم به‌طور غیرمستقیم آنان را در مسیر ارزش‌های اخلاقی و کمالات انسانی قرار داد.

یکی از این مجموعه الگوها و قهرمان‌ها اهل‌بیت‌اند. خاندان پاک پیامبر چرا نباید به‌صورت الگو و نمونه در جهات علمی، اخلاقی، سیاسی، عاطفی، جهاد، صبر، ایثار و نوع‌دوستی، برای بچه‌های ما مطرح باشند؟ مگر از قهرمان‌های دیگر چه کم دارند؟

ایجاد محبت

حضرت رسول ﷺ در کلامی توصیه فرموده‌اند که فرزندانان را با محبت من و محبت خاندان من و با عشق به قرآن، تربیت و ادب کنید: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَ الْقُرْآنِ»^۱ در عمل به این سفارش نبوی چه کرده‌ایم؟ راه و روش آن چیست؟ چگونه می‌توان فرزندان را تربیت کرد که دوستدار خاندان رسالت و شیفتهٔ اهل بیت باشند و از این دلدادگی و علاقه، در بهسازی اخلاقی و رفتاری خویش سود ببرند؟^۲

باز هم حدیثی زیبا، این بار از امام صادق علیه السلام: «رحمت خدا بر کسی که ما را در نظر مردم محبوب گرداند؛ نه آن که منفور سازد.» (رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يَغِيضْنَا إِلَيْهِمْ)^۳

۱. احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۸.

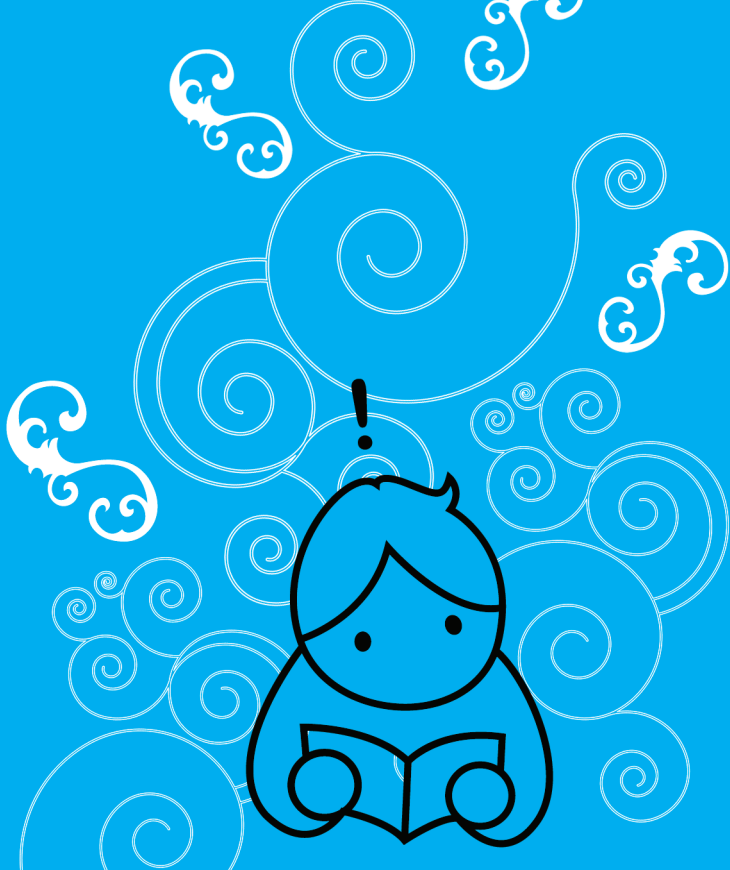
۲. در این زمینه به کتاب عشق برتر از نویسنده مراجعه کنید.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۸.

نقل کرده‌اند که هر کس با پیامبر خدا ﷺ از روی معرفت و شناخت، نشست و برخاست می‌کرد، محبت وی در دلش می‌افتاد. این، نشان‌دهنده تأثیر معرفت در پیدایش محبت است. محبت، گاهی از مرحله سطحی و ساده شروع می‌شود و به تدریج، عمیق‌تر و جدی‌تر و ریشه‌دارتر و آگاهانه‌تر می‌شود.

پس، باید اهل‌بیت علیهم‌السلام را به کودکان شناساند.

گرچه نظام آموزشی و مدرسه و معلم و صداوسیما و مطبوعات و... این وظیفه را دارند، پدر و مادر هم بدون وظیفه نیستند. البته که شرط این توانایی بر شناساندن، شناختن است و هرچه والدین، شناخت بیشتری از اولیای الهی و خاندان عصمت داشته باشند، بهتر می‌توانند آن معرفت را منتقل سازند.





نقش داستان

کودکان شیفتهٔ قصه و حکایت‌اند. آنان از داستان‌الگو می‌گیرند و مهر و محبت قهرمان‌های قصه‌ها بر دلشان می‌نشیند و رابطهٔ عاطفی و اثرپذیری از آن پیدا می‌کنند. چرا در قصه‌گویی برای بچه‌ها، از داستان‌های پیامبران و امامان و اصحاب پیامبر و امام‌زادگان و چهره‌های بارز و شاخص دینی استفاده نکنیم؟ پس، حکایت و داستان از زندگی اهل‌بیت علیهم‌السلام هم می‌تواند یک راه باشد.

زیارت

اغلب چنین است که «دیدار» به «دوستی» می‌انجامد؛ یعنی «زیارت» محبت می‌آورد. از این‌رو، بردن کودکان به زیارتگاه‌ها، هم زمینهٔ آشنایی را فراهم می‌آورد، هم محبت‌آور است و هم حس روحانی و معنوی خاصی به آنان منتقل می‌کند. برای بیشتر کودکان، زیارت

مشهد یا مرقد حضرت امام، خاطره‌انگیز است.

پس، از راه زیارت‌رفتن، زیارت‌بردن، انس با حرم‌های مطهر و تشریف به آستان‌بوسی اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام می‌توان بین کودکان و آن‌گوهای کمال و فضیلت، رابطه قلبی و عشق و ارادت برقرار کرد. تأثیر درازمدت این‌گونه «سفرهای زیارتی» بسیار است؛ بخصوص اگر با برنامه‌ریزی و توجیه و هدایت و آموزش همراه باشد.

از این‌رو، باید چشم فرزندانمان بارها و بارها به صحن و سرا و حرم و مرقد اهل‌بیت علیهم‌السلام بخورد. خاضعانه وارد حرم‌ها شوند، نماز و زیارت‌نامه بخوانند، حالت روحانی زائران را ببینند، عشق‌ها و علاقه‌های زوآرِ دیگر را با چشم تماشا کنند.

این‌ها سبب روییدنِ نهال محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام در دل‌ها می‌شود و این محبت، نقش خود را در اصلاح اخلاق ایفا خواهد کرد.

هر کس دوست دارد در کانون توجه قرار گیرد، نزد دیگران محبوبیت و مقبولیت داشته

باشد و او را فردی شایسته احترام و تکریم بشمارند. این خصلت و روحیه، نزد جوانان بیشتر است؛ چراکه در این دوران، پایه‌های «شخصیت اجتماعی» آنان گذاشته می‌شود و می‌خواهند در جامعه «ابراز وجود» کنند و دوست دارند که دیگران، وجود آنان را در میان خود به‌عنوان افرادی ارزشمند، مؤثر، توانا و لایق، به‌رسمیت بشناسند.

رهنمودهای دین

توصیه‌هایی که در متون دینی و آموزش‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام دیده می‌شود، همه، نشانگر عنایت به این موضوع مهم و توجه‌دادن والدین به آن در تربیت فرزندان است. به برخی از این جلوه‌ها توجه کنید:



۱. نام نیک

توصیه کرده‌اند که برای فرزندان خویش، نام نیکو انتخاب کنید و در حدیث است:
«از جمله حقوق فرزند بر پدرش، آن است که نام نیک برای او بگذارد.»^۱
تأثیر نام زیبا و پرمحتوا در شخصیت‌دادن به فرزند، انکارناپذیر است.

۲. تکریم فرزندان

به‌عنوان دستورالعملی اخلاقی و رفتاری، توصیه کرده‌اند که به فرزندان خود احترام کنید. از جمله، این سخن حضرت رسول ﷺ که فرمود: «اَكْرِمُوا اولادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدابَهُمْ.» (= به فرزندان‌تان احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید).^۲

۱. مستدرک وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲. مکرم الاخلاق، ص ۱۱۵.



هیچ کس، از جمله جوانان را نباید تحقیر کرد و با تحقیر خطاب نمود. باز هم از توصیه‌های آن حضرت است: «هیچ مسلمانی را تحقیر مکن و کوچک مشمار؛ چراکه کوچک آنان نزد خداوند، بزرگ است.» اگر این مسلمان، جوان جامعه باشد، شایسته‌تر به تکریم و پرهیز از تحقیر است.

۳. برخورد عادلانه

روحیه جوان، حساس و زودرنج است و برخورد تبعیض‌آمیز را بر نمی‌تابد و آن را توهینی به خویش می‌پندارد.

رسول خدا ﷺ توصیه فرموده است که بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید: «اعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ»^۱ عدالت در رفتار، عبارت از برخورد احترام‌آمیز و تکریم شخصیت جوانان است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲.



۴. پاسخ دادن به سلام

جواب سلام واجب است و نشانه احترام به دیگری است. البته برتر از آن، پیش دستی کردن در سلام است. در سیره حضرت رسول ﷺ نقل کرده اند که در سلام کردن به دیگران سبقت می جستند و می فرمودند: «تا زنده ام، سلام بر کودکان را ترک نمی کنم؛ تا پس از من به عنوان یک سنت باقی بماند.»

۵. خطاب شایسته

نحوه برخورد و صدا زدن و اسم بردن، هم نشان دهنده شخصیت فرد است و هم در تکریم شخصیت یا تحقیر شخصیت طرف مقابل نقش دارد. در سیره اخلاقی پیامبر اسلام ﷺ آمده است که ایشان اشخاص را با بهترین نام‌ها می خواندند و برای برخی، لقب خوب می گذاشتند و نام‌های زشت اشخاص و شهرها و... را عوض می کردند. دعوت با بهترین نام و محبوب‌ترین



لقب، احترام به شخصیت افراد است و طرف مقابل را هم بیشتر جذب می‌کند.

از حضرت علی علیه السلام نقل است: «**أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا حَمِيلَ الْجَوَابِ**» (= دیگران را زیبا و شایسته صدا بزنید، تا جواب پسندیده و زیبا بشنوید).^۱

براساس تربیت دینی، انتظار می‌رود که:

جوانان و نوجوانان چیزی به نام «ادب» را آموخته باشند؛

در راه رفتن، از پدر یا استاد خویش سبقت نگیرند؛

به احترام آنان از جای برخیزند؛

رفتارشان با والدین مؤدبانه باشد و نه از روی پرخاشگری و بی‌حرمتی و قدرشناسی و

بی‌اعتنایی؛

۱. غررالحکم، ج ۱، ص ۱۳۹.



در کارها و مشکلات، بازوی پدر و مادرِ پیر و تکیه‌گاه آنان باشند؛ از هرگونه تمرد، مخالفت، عصیان و تخلف از دستور و رنجاندن آنان پرهیز کنند و کارهایی از این قبیل.

والدین؛ الگوی رفتار

جوانان در سنین و موقعیتی‌اند که در رفتارشان دنبال «الگوهای بیرونی»‌اند: چه پدر و مادر باشد، چه معلم و مربی، چه برادر و خواهر بزرگ‌تر؛ چه چهره‌های محبوب و قهرمانان مطرح در جامعه.

اگر بزرگ‌ترها از این بُعد الگویی خود غفلت کنند، چه بسا تأثیر مخرب و منفی بر فرزندان خود بگذارند. اگر به آن توجه کنند، می‌توانند فضایل اخلاقی را در وجودشان نهادینه کنند و رشد دهند.



آموزش عملی

«احترام به بزرگ‌ترها» و مراعات ادب و احترام و حرف‌شنوی از پیش‌کسوتان، وقتی از سوی والدین به‌وقوع پیوندد، فرزندان‌شان هم از آنان یاد می‌گیرند. هرچند ممکن است نحوه رفتار آنان برای نوجوانان و جوانان، چندان جاذبه‌ای نداشته باشد تا بخواهند تقلید و الگوبرداری کنند؛ اما اگر بناست که این خصلت و رفتار، در جایی نمود پیدا کند و جوانان با رفتارهای به‌خصوصی که «تجسس فضیلت» است، آشنا شوند و تأثیر بپذیرند، ناچار در این‌گونه مواقع است که با چشم خود می‌بینند، آنچه در تعلیمات و تبلیغات می‌شنوند. به این حدیث زیبا توجه کنید:

امام علی علیه السلام به والدین در زمینه نحوه برخورد خوب و احترام‌آمیز با بزرگ‌ترها و تأثیر آن بر نوجوانان و فرزندان، این‌گونه توصیه می‌کنند: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ، يَوْزَرُّكُمْ صِغَارَكُمْ.» (= به بزرگان خودتان

احترام کنید، تا کوچک‌ترهای شما هم به شما احترام کنند.^۱

اگر پدر و مادر، به نماز اول وقت و سرزدن به فامیل و رسیدگی به نیازهای بستگان محروم، مقید باشند، فرزندان را هم با فرهنگ اهتمام به نماز و صلۀ رحم و احسان و انفاق، بار می‌آورند.

اگر بزرگ‌ترها، در سخن گفتن، صدا کردن، جواب دادن، درخواست کردن و... رعایت متانت و ادب کنند، ادب در گفتار و رفتار را هم می‌توانند عملاً به جوانان و فرزندان خود بیاموزند. از یاد نبریم که همهٔ حرکات و سکنات ما، در شکل‌گیری شخصیت فرزندانمان مؤثر است. بکوشیم تا الگوی خوبی برای جوانانمان باشیم.



خانواده الگو

باید سراغ «خانواده الگو» رفت و در پی «معیار» بود.

برای ما، پیروان «قرآن و عترت»، الگوهای مکتبی فراوان است.

شاخص‌ترین الگو، «اهل بیت (علیهم‌السلام)» است.

پیامبر عزیز ما، در کنار قرآن، «عترت» را قرار داده و از آن به‌عنوان عدل قرآن و همتای

تفکیک‌ناپذیر کتاب خدا یاد کرده‌اند.

نگاه ما به این خاندان، نه تنها به‌عنوان برگزیدگان الهی و معصوم از خطا

و گناه و محبوب عرشیان و فرشتگان، بلکه به‌عنوان شاخص «چگونه‌بودن» و

«چگونه‌زیستن» و الگوی عمل و رفتار است. «تمسک به اهل بیت» که در روایات

بسیاری آمده است، هم در جنبه سیاسی و اجتماعی و ولایت است، هم در زمینه مسائل

اخلاقی، رفتاری و الگوگیری.



پیامبر خدا ﷺ رستگاری را در سایهٔ تمسک به عترت می‌دانند و می‌فرمایند: «من تمسک بعترتی من بعدی، کان من الفائزین» (= هر کس پس از من به عترت من تمسک بجوید، از رستگاران خواهد بود).^۱

در حدیث دیگری فرمودند: «یا علی، شما حجت خدا بر مردمانید؛ هر کس به شما تمسک جوید، هدایت شده و هر کس شما را رها کند، گمراه شود».^۲

پس برای «مشق زندگی» باید از این «سرمشق»ها آموخت و آنان را معیار قرار داد. عترت، خانواده‌ای الگوست که در علم، ایمان، تربیت، ایثار، نوع‌دوستی، عبادت، معاشرت شایسته، یتیم‌نوازی، مهرورزی به انسان‌ها، انفاق خالصانه، ادب و نیز احترام، برای همهٔ ما سرمشق است.

۱. کفایة الأثر، ص ۲۲.

۲. امالی شیخ مفید، ص ۱۱۰.



سوره «هل أتى» در شأن کدام خانواده و در ستایش کدام عمل نازل شد؟

می‌دانیم که وقتی حسین بن علی علیه السلام در کودکی مریض شدند، پدر و مادرشان یعنی علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام نذر کردند که اگر شفا یابد، سه روز روزه بگیرند. فِضَه نیز که خدمتگزار آن خانه بود، در این نذر شرکت کرد. نقل است که حسن و حسین علیهما السلام نیز به شکرانه قبول نذر، روزه گرفتند. چند قرص نان برای افطار فراهم شد.

روز اول هنگام غروب، بینوایی مستمند به در آن خانه آمد و عرض حاجت کرد: نان را به او دادند و با آب خالی افطار کردند. روز دوم، یتیمی آمد و اظهار نیاز کرد: نان افطار را به او دادند. روز سوم اسیری مراجعه کرد و غذا خواست: افراد خانواده نان افطار را به او دادند و با آب افطار کردند.

این یعنی ارائه تبلویی از ایثار و گذشت و انفاق در راه خدا؛ یعنی تربیتی براساس محبت



به دیگران و مهرورزی به نیازمندان.

سزاوار است در هنرنمایی معنوی خدا عزوجل در تابلوی رفتار عترت بنگریم و از آنان الگو بگیریم.

خانواده‌ای بسازیم: مطیع خدا، دوستدار مردم، همدرد با جامعه و همسو با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام.

فرزندانی تربیت کنیم: الهی، ولایی، قرآنی، ایثاری و ارزشی.
و الگویی ارائه دهیم: نه با گفتار و نوشتار، بلکه با عمل و رفتار.
و بدانیم که:

«عمل»، تنها زبانی است که نیاز به «مترجم» ندارد و همه آن را می‌فهمند و پیام آن را در می‌یابند.

پس با «زبان عمل» دعوت کنیم... .



الگوهای زنده

بیشترین تأثیرپذیری ما از الگوها، در «جهات عملی» آنان است؛ یعنی خصوصیات اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری و آنچه محسوس و تبعیت‌بردار و پیروی‌کردنی باشد. الگوها، هرچه متعالی‌تر باشند، دامنهٔ اثرگذاری وسیع‌تر و عمق آن بیشتر است؛ به شرط آنکه راه این «الگوسازی» را بدانیم.

چند نمونه از رفتارهای الگویی

برای اینکه در همین موضوع هم کلی‌گویی نکرده باشیم، نمونه می‌آوریم:

۱. امام امت علیه السلام که برای جامعهٔ ما شناخته شده و محبوب است و حتی جملات او به‌عنوان کلمات قصار، تابلو می‌شود، از شخصیت‌های اثرگذار و الگوست. ذکر نمونه‌هایی از سیرهٔ اخلاقی و ویژگی‌های برخورد او، مؤثر است.

تصویر امام در حالتی که ضریح حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام را می‌بوسد، به شیفتگان نوعی آموزش ادب و محبت به کریمه اهل بیت علیهم السلام است.

یاران و نزدیکان امام امت علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت امام در سال‌های متمادی که در نجف بودند، هر شب به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف می‌شدند و «زیارت جامعه» می‌خواندند و این زیارت پیوسته به نحوی عرض ادب و تجدید عهد و پیمان با مولا بود و حتی در دوران‌های بحرانی عراق و آشفتگی اوضاع هم این زیارت را ترک نمی‌کردند. فیلم نماز و قرآن خواندن امام حتی در روزهای آخر عمرش، وقتی از سیما یا با نوارهای ویدئویی پخش می‌شود، به علاقه‌مندان حضرتش می‌آموزد و الهام می‌دهد که تعبد به وظایف شرعی و انس با قرآن کریم و تلاوت کلام‌الله، کارهای مثبت و سودمند در زندگی انسانی مکتبی و شیعی است.

۲. علامه طباطبایی علیه السلام را همه می‌شناسیم: مفسر بزرگ قرآن، فیلسوف برجسته و چهره‌ای

اخلاقی و علمی و عرفانی. در حالات علامه نوشته‌اند که وقتی روزه بود، هنگام افطار، اولین کاری که می‌کرد، تشرّف به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام بود و در واقع، روزه خویش را با بوسه بر ضریح مقدّس افطار می‌کرد. این حرکت، الهام‌بخش عشق‌ورزی به ساحت اهل بیت علیهم السلام است.

یا وقتی تابستان‌ها به مشهد مقدس مشرف می‌شد، با اینکه از او تقاضا می‌کردند برای استراحت، در اطراف مشهد و جاهای خوش آب‌وهوا اقامت کند، نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: «ما از پناه امام هشتم جای دیگر نمی‌رویم.» با توجه به جایگاه والای علامه در دل‌ها و دیده‌ها، آگاهی از این‌گونه خصوصیات، در جذب جوانان به معنویات بسیار سودمند است.

۳. علامه‌امینی رحمته الله علیه، مؤلف کتاب جهانی الغدیر که از دل‌باختگان و شیفتگان حضرت امیر علیه السلام بود، هنگام زیارت حرم حضرت علی علیه السلام حالت خاصی داشت: شور و حال و گریه و التهاب و نجوای عاشقانه و چشم‌های پُراشک او، همه زوّار را مجذوب می‌ساخت و در سیمای



علامه امینی رحمته الله علیه نشانه‌های عاشقی شیدا و محبّ واقعی اهل بیت علیهم السلام را می‌دیدند.

یاد اهل بیت علیهم السلام

ذکر چنین نمونه‌هایی از خضوع در برابر عترت پاک پیامبر، در دل‌های مستعد اثر می‌گذارد و هر کدام، درسی از ادب و عشق به اولیاء الله است.

مهم آن است که با ذکر این‌گونه سیره‌های رفتاری از بزرگان دین و چهره‌های سرشناس و قهرمان و الگو، به‌ویژه آنان که در چشم و نگاه و نظر نوجوانان و جوانان محبوبیت دارند، بتوانیم بذر محبت اهل بیت علیهم السلام را در دل فرزندان خویش بکاریم و بارور سازیم و از این محبت، در مسیر حفظ تعادل و سلامت فکری و روحی آنان بهره بگیریم. عشق به خاندان رسالت، در نهاد و فطرت و سرشت ما و فرزندان ما وجود دارد. باید آن را شکوفاتر و ثمربخش‌تر کنیم.





پرورش عشق به اهل بیت علیهم السلام

برای بیمه کردن دل و اندیشه فرزندان، یکی از راه‌ها پیوند دادن آنان با اهل بیت علیهم السلام است؛ به‌عنوان الگوهای دوست‌داشتنی، قابل‌تبعیت و شایسته‌ اسوه‌گیری.

«تربیت ولایی» مسئولیت همه والدین و مربیان است. در پرورش نسلی «دوستدار آل محمد علیهم السلام» بهره‌گیری از عنصر عشق و محبت، ضروری است. در گذشته، از شیوه‌هایی همچون بیان حکایات شیرین از زندگی امامان، معرفی الگوهای اهل‌بیتی، دیدار و زیارت مشاهد مشرفه و حرم‌ها یاد کردیم. در ادامه این مبحث، شیوه‌های کاربردی مطرح می‌شود: «ذکر فضایل» یکی از راه‌های ایجاد علاقه است. اینکه معصومان علیهم السلام چه شخصیت‌هایی‌اند و در پیشگاه خدا چه جایگاهی دارند و فضایلشان چیست و در نظام هستی و دنیا و آخرت، چه کارهایی از دستشان برمی‌آید، خودبه‌خود کشش به‌سوی این چهره‌های معنوی را پدید می‌آورد.



محبت دوجانبه

کودکان ما اگر بدانند که مورد محبت و علاقهٔ ائمه قرار دارند، به آنان شیفتگی پیدا خواهند کرد. هر انسانی دوست دارد محبوب دیگران باشد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ما دوستدارانمان را دوست داریم.» آیا اگر فرزندان ما که علاقه به این خاندان دارند، بدانند که این علاقه، دوجانبه است، محبتشان افزون‌تر نخواهد شد؟

در حدیثی از قول امام‌زمان 4 نقل کرده‌اند که ما شیعیانِ خود را رها نکرده و از یاد نبرده‌ایم و به فکر آنان هستیم. وقتی شیعه‌ای این‌را بداند که مورد عنایت حضرت مهدی 4 است، او هم به حضرتش مهر بیشتری خواهد یافت.

۱. «أنا غيرُ مهملين لِمَراعاتِكُمْ ولا ناسينَ لِدِكْرِكُمْ...»، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

پس، توجه دادن فرزندان به اینکه اهل بیت علیهم السلام چقدر آنان را دوست دارند، از شیوه‌های دیگر ایجاد یا افزایش محبت است.

راستی، خود ما تا چه حد برای این دوستی و محبت، حساب باز کرده‌ایم و ارزش قائلیم؟ فرزندان ما تا چه حد، این ارزش‌گذاری را در اعمال و حالات و رفتار و روحیات ما می‌بینند؟

اگر تشویق و تحسین‌های ما، جایزه‌دادن و تقدیر کردن و محبت‌نشان دادن‌های ما به فرزندانمان به‌خاطر همین عشق پاک و علاقه‌مندی‌شان به اهل بیت علیهم السلام باشد، یقیناً محبت آنان را خواهد افزود.

فضای زندگی ما باید اهل‌بیتی باشد. سایه مقدس نام و یاد آن عزیزان خدا بر سر و سرای ما باشد. نامشان ورد زبانمان و سخنشان آویزه گوشمان و محبتشان در دلمان باشد، تا این فضای روحی و تربیتی، کودکانی دوستدار خاندان رسالت بار آورد.



بالاخره... کودکان باید این عشق‌ها را در جایی و کسی ببینند تا بیاموزند.
و چه کس بهتر از پدر و مادر و معلم و مربی؟ و کجا بهتر از خانه و مدرسه؟

تعظیم شعائر

تربیت ولایی فرزندان، در سایه برخی سنن مذهبی و آداب و رسوم ریشه‌دار و نشئت‌گرفته از آموزه‌های اولیای دین، تضمینی بر سلامت روحی و کمال تربیتی آنان است.
ماه محرم، یکی از بهترین فرصت‌هایی است که می‌تواند باورهای مذهبی و گرایش‌های دینی را عمق بخشد و پیوند فرزندان ما را با «عترت»، استوارتر و ریشه‌دارتر سازد.
تعظیم شعائر که قرآن هم به آن سفارش کرده است، در هر زمان و موقعیتی به‌گونه‌ای است: در ایام محرم، با پُرشور نگه‌داشتن محافل حسینی و سنن عاشورایی است، تا دل‌ها از اهل‌بیت بیگانه نشود و میان نسل نو و حماسه‌عاشورا و مکتب کربلا،



گسست پیش نیاید.

تعظیم شعائر، باید از روش و رفتار بزرگان به نسل جدید سرایت کند. پیشقدم شدن والدین و مربیان در گرامی داشتن مناسبت‌های دینی، به فرزندان هم همین تکریم و ارج نهادن را می‌آموزد و این فرهنگ را به آنان منتقل می‌سازد.

شرکت کردن والدین در این مجالس و شرکت دادن کودکان و نوجوانان در آن‌ها و تلاش برای جاذبه‌دار ساختن چنین شعائر و مراسمی برای این قشر، علقه‌ها و پیوندهای عاطفی و معنوی با اهل بیت علیهم‌السلام و مفاهیم دینی را افزایش می‌دهد.

مراسم سُروَر

در تکریم مناسبت‌های دینی، تنها به ایام عزا و وَفیات نباید نگریست. در مناسبت‌های شاد هم باید با اهل بیت علیهم‌السلام همدلی کرد و به احیای آن مراسم پرداخت؛ چون به صفای

روحی و شادابی زندگی کمک می‌کند.

در این میان، سال نو و فرارسیدن بهار، جاذبه‌ای فراگیرتر دارد. وقتی عیدی می‌دهیم، به توصیه‌ی دینی «ادخال سرور» عمل کرده‌ایم و چون به دید و بازدید اقوام و بستگان دور و نزدیک و دست‌بوسی بزرگ‌ترها می‌رویم، به احیای برنامه‌ی «صله‌رحم» پرداخته‌ایم که توصیه‌ی قرآن و سفارش امامان است.

«حیات طیبه» تنها در بهشت جاودان نیست؛ در همین دنیا هم می‌توان به آن رسید، به شرط آنکه «خداجویی» و «کمال‌طلبی» بر زندگی‌های ما و فرزندانمان سایه افکنده باشد و توانسته باشیم زندگی اولیای الهی و عترت پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام را سرمشق خود سازیم و به‌عنوان «الگو» به فرزندانمان بشناسانیم.

«بهار دین» در سایه‌ی محبت و معرفت و اطاعت از اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

«بهار دل» در گرو پاک‌ساختن زندگی از بدی‌ها و تطهیر قلوب از کینه‌ها و حسدها و



بداندیشی‌هاست.

باشد که هم بهار دینمان پُرطراوت باشد، هم بهار دلمان پُرشکوفه و شادی.

از حضرت سجاده

در پایان، توجه خوانندگان ارجمند را به دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه از امام زین‌العابدین علیه السلام جلب می‌کنم. ایشان در قالب دعا، آموزه‌های مهم و سودمندی دربارهٔ تعامل شایسته میان والدین و فرزندان و صفات خوبی که فرزندان باید داشته باشند، مطرح فرموده‌اند.

در جمله‌ای از دعای ۲۵ آمده است: «**وَاصْحَ لِي اَبْدَانِي وَاَدْيَانِي وَاَخْلَاقِي...**» (= خداوندا، بدن و دین و اخلاق فرزندانم را سالم و صحیح بگردان).

این نشان می‌دهد که سلامت جسمی، سلامت فکری و اعتقادی و نیز سلامت



اخلاقی و رفتاری، هر سه مهم است و پدر و مادر در تربیت فرزندان بر این سه محور باید تکیه داشته باشند.

به امید توفیق برای داشتن کانون خانواده‌ای گرم و با صفا و فرزندانی با ادب و با ایمان و مفید.

برای مطالعه بیشتر

۱. عشق برتر، جواد محدثی، قم: بوستان کتاب.
۲. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام محمدجواد مروجی طبسی، قم: بوستان کتاب.
۳. راه رشد، محی‌الدین حائری شیرازی، قم: دارالصالحین.